



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



دیدگاهی در مخالفت با تدوین پروتکل بین المللی در حوزه خشونت علیه زنان

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

خشونت علیه زنان پدیده غیر انسانی است که در سراسر جهان واقع میشود و هیچ کشوری نمی تواند ادعا کند که توانسته این پدیده را ریشه کن سازد. با همه گستردگی وقوع خشونت علیه زنان، این واقعیت را نیز نمی توان کتمان کرد که جامعه بشری نسبت به گذشته تاریخ حیات خود رشد قابل توجهی یافته و در اثر تلاشها و فداکاریهای بسیار توانسته شکل های متعددی از خشونت علیه زنان را مرتفع سازد. امروزه در این زمینه انواع قواعد و موازین حقوقی در سطح نظام بین الملل یا در چارچوب نظام های حقوقی ملی کشورها تصویب و در روند اجرا قرار گرفته اند. علیرغم وجود قواعد مختلف در زمینه منع خشونت علیه زنان هنوز برخی نارسایی ها یا چالشهای حقوقی پیش رو، پیامدهای منفی متعددی را برای زنان و برای عموم بشریت در پی دارد. برای رفع این موارد، نظرات متنوعی در محافل حقوقی مطرح میشوند. یکی از نکات در خور توجه این است که نظرات مختلف مطروحه، ارتباط وثیقی با مبانی فرهنگی و ارزشی ارائه کنندگان دیدگاهها و نوع نگاه مبنایی آنها به جایگاه زن و حقوق و کرامت زنان دارد به عنوان مثال، از نگاه یک فرهنگ موارد متعددی از استفاده های ابزاری از زنان به عنوان مصداق خشونت علیه زنان محسوب نمیشود بلکه در جهت رونق صنایع مختلف از جمله صنعت فیلم و سرگرمی و مد و لباس و اقتصاد برخی فعالیت ها امری طبیعی تلقی میشود اما در فرهنگی دیگر این موارد از جمله مصادیق استفاده ابزاری و خشونت علیه زنان محسوب و همه موظفند در این زمینه به تعهدات حقوقی و اخلاقی خود بدرستی عمل کنند. از زاویه ای دیگر، هر بحث مرتبط با زنان ارتباط جدی با نوع نگرش به مقوله جنس و جنسیت نیز پیدا می کند. یک فرهنگ خاص در چند دهه اخیر تلاش زیادی کرد تا در مفهوم سازی مربوط به این دو مقوله دستکاریهایی کرده تا بتواند نگاه خود را جهانی نماید و مصادیق متعدد مورد نظر خود را ذیل چتر حمایت حقوقی قرار دهد اما برخی فرهنگ های دیگر با این رویکرد موافقت ندارند.

نوشتار حاضر یکی از مصادیق طرح دیدگاه در حوزه بحثهای جدید جاری در سطح جهانی راجع به موازین بین المللی ناظر به رفع خشونت علیه زنان است. نویسنده تلاش کرده تا موضوع تصویب یک سند بین المللی ویژه در زمینه منع خشونت علیه زنان را مورد تامل قرار دهد. دیدگاه نویسنده این نوشتار حکایت از پیگیری نگرشی دارد که معتقد است کنوانسیون موجود منع همه اشکال تبعیض علیه زنان و تفاسیر ارائه شده از سوی کمیته نظارتی آن برای پیگیری این دغدغه کفایت است و نیازی به تصویب سند جدید بین المللی با تمرکز بر موضوع خاص خشونت علیه زنان نیست. استدلال های نویسنده نشان می دهد که وی نگران برخی تلاشها برای محدودسازی تفاسیر نادرست در حوزه جنس و جنسیت است و در واقع با این دغدغه تلاش دارد که همان تفاسیری که یک فرهنگ خاص تاکنون سعی کرده جهانی سازد را مورد تأیید قرار دهد. این روند استدلالی، دیدگاههای مقابل را بیشتر بر آن وا می دارد که

از تلاشهای خود برای تصویب سند خاص در حوزه منع خشونت علیه زنان و رفع خलाهاى موجود و اصلاح برخى تفاسیر نادرست از مقوله جنس و جنسیت و حقوق ذیربط دست بردارند بلکه بر عمق و کیفیت آن بیفزایند. با تشکر از مترجم محترم و با امید به اینکه برگردان فارسی این نوشتار، مخاطبان ارجمند فارسی زبان را با یکی از جدیدترین مباحث مطروحه جهانی در حوزه خشونت علیه زنان بهتر آشنا سازد و انگیزه ای شود که این قبیل مباحث و چالشهای مزبور و دیدگاههای متنوع را بنحو جدی تر و در موارد لازم، به صورت انتقادی مورد تعمق قرار دهند، متن نوشتار عینا بشرح آتی تقدیم میشود.

یادآوری این نکته ضروری است که مترجم محترم برخى نکات توضیحی یا معادل انگلیسی برخى واژگان مهم را ذیل متن افزوده اند که برای فهم دقیق تر متن مفید است. هم چنین حسب اطلاع، ایشان در مقاله ای پژوهشی که قبلا ارائه کرده است موضوع تلاشهای جدید جهانی برای تدوین سند خاص بین المللی در حوزه منع خشونت علیه زنان و دلایل موافقان و مخالفان را به بحث گذاشته است که علاقمندان می توانند به متن مزبور مراجعه کنند.^۱

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
اردیبهشت ۱۴۰۵

^۱ عنوان و مآخذ مقاله مورد اشاره: «واکاوی خلاهای هنجاری در نظام بین الملل و بایسته های تدوین سند بین المللی الزام آور در زمینه خشونت علیه زنان»، پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، پذیرفته شده در بهمن ۱۴۰۴ و در ردیف نشر برای شماره ۱۷ این دو فصلنامه.

◆ نویسنده : واشتی اورتگو ، مسئول حمایت از حقوق زنان در سطح جهانی و محلی در انجمن غیردولتی «دیده بان آسیا اقیانوسیه اقدام بین المللی حقوق زنان» (IWRAW) که در زمینه برابری جنسیتی و حقوق بشر زنان فعالیت می کند. وی توسط ناشر مقاله به عنوان یک ترنس فمینیست اهل ویسایا در فیلیپین معرفی شده است

◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: دکتر فریده طه، مدرس دانشگاه ، وکیل دادگستری و همیار افتخاری کمیسیون

◆ مآخذ : سامانه تخصصی حقوقی اوپینیو جوریس (www.opiniojuris.org) ، نشر در مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۶

◆ شناسه متن : ۰۵/۱/۱۰۷

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.



متن مقاله:

عنوان مقاله: اختیاری اما نابرابر؛ چرا چرخش به سوی رویکرد مبتنی بر «جنس» و تدوین پروتکل اختیاری جدید می‌تواند مبارزه جهانی با خشونت مبتنی بر جنسیت را تضعیف کند

مقدمه

بیش از سه دهه است که جامعه بین‌المللی، خشونت علیه زنان و دختران را به عنوان شکلی از تبعیض مبتنی بر جنسیت به رسمیت شناخته است. این برداشت، قویاً در رویه کمیته رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW)^۲ ریشه دارد؛ کمیته‌ای که تصریح کرده است تبعیض علیه زنان - به معنای مقرر در ماده ۱ کنوانسیون - شامل خشونت مبتنی بر جنسیت نیز می‌شود. این کمیته در سند پشتیبان خود درباره خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان و دختران نیز همواره این نوع خشونت را در تمامی ابعاد فعالیت خود، از جمله گفت‌وگوهای دولتی، ملاحظات نهایی^۳، توصیه‌های کلی^۴ و رویه قضایی ناشی از سازوکارهای [رسیدگی به] شکایات و تحقیق، مورد توجه قرار داده است. این رویکرد به‌ویژه در توصیه‌های کلی شماره ۱۲، ۱۹ (بند های ۶ و ۷) و ۳۵ (بند های ۱، ۲ و ۹) منعکس شده است؛ اسنادی که توضیح می‌دهند اصطلاح «خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان»^۵ به‌طور صریح علل و آثار جنسیتی خشونت را آشکار می‌سازد. هیچ دولتی تاکنون با صلاحیت کمیته در این حوزه مخالفت نکرده یا آن را مورد تردید قرار نداده است. همچنین اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل و چارچوب‌های جهانی جدیدتر نیز تأکید دارند که خشونت مبتنی بر جنسیت، محصول بسترهای اجتماعی و سیاسی است و نه صرفاً تفاوت‌های زیستی.

^۲ در ادامه متن حاضر به جای کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان یا کمیته منع تبعیض علیه زنان از عبارات «کنوانسیون سیدا» و «کمیته سیدا» به اختصار استفاده میشود.

^۳ Concluding Obeservations

^۴ General Rcommendations

^۵ Gender – based Violence against women

با این حال، اکنون بحث تازه‌ای در سازمان ملل در حال شکل‌گیری است. در جریان مذاکرات شصت‌ونهمین نشست کمیسیون مقام زن (CSW69) و فرایند مربوط به «پکن+۳۰»، برخی دولت‌ها با کاربرد اصطلاحاتی نظیر «جنسیت» و مفاهیم مرتبط دارای تنوع و شمول^۶، مخالفت کردند. در جریان تصویب اعلامیه سیاسی کمیسیون مقام زن، ایالات متحده بیانیه‌ای صادر کرد که در آن بر استفاده از زبانی (ادبیاتی) تأکید می‌شد که زنان را «مونث از لحاظ زیستی» و مردان را «مذکر از لحاظ زیستی» تعریف می‌کند؛ رویکردی که به‌زعم این کشور برای حمایت از زنان و دختران ضروری است. آرژانتین و مصر نیز نسبت به ارجاعات مربوط به «جنسیت» در متن توافق‌شده، حق شرط یا تحفظ اعلام کردند.

در عین حال، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه خشونت علیه زنان و دختران، خانم ریم السالم^۷ بارها خشونت علیه زنان را عمدتاً در قالب «خشونت مبتنی بر جنس»^۸ صورت‌بندی کرده است. این رویکرد در مواضع مختلف وی مشهود است. وی در گزارش ژوئن ۲۰۲۵ خود به شورای حقوق بشر با عنوان «خشونت مبتنی بر جنس علیه زنان و دختران: مرزهای نوین و مسائل نوظهور» (بندهای ۴، ۵، ۷ و بند ۳ پیوست)، «جنس» را به‌عنوان مقوله‌ای زیستی تعریف می‌کند که زنان و مردان را از یکدیگر متمایز می‌سازد و این تمایز را با استناد به تفاوت‌های زیستی و تولید مثلی میان آنان توضیح می‌دهد. وی هم‌چنین جنسیت را مفهومی مکمل جنس می‌داند. در این چارچوب، خشونت علیه زنان و دختران نوعی خشونت شدید مبتنی بر جنسیت تلقی می‌شود که از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط

^۶ Diversity and Inclusion

منظور از «شمول» (inclusive) «رویکردی است که ادعا دارد دربرگیری و توجه به تنوع هویتی، اجتماعی و جنسیتی در سیاست‌گذاری و زبان حقوقی، مطلوب است و مدعی تلاش برای جلوگیری از حذف یا به‌حاشیه‌راندن گروه‌های مختلف، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، می‌باشد (توضیح افزوده شده بر متن)

^۷ Reem Alsalem

^۸ Sex-based Violence

با جنس ناشی می‌گردد. بنابراین، «جنس زیستی» به‌عنوان اصلی‌ترین معیار تحلیلی عمل می‌کند و جنسیت نقش یک مقوله تکمیلی را ایفا می‌کند.

این چارچوب‌بندی در سایر مواضع وی نیز به‌طور مستمر مشاهده می‌شود. برای نمونه، در مکاتبه ای که در نوامبر ۲۰۲۲ به دولت بریتانیا درباره لایحه اصلاح قانون شناسایی جنسیت مصوب در پارلمان اسکاتلند ارسال کرد، السالم نگرانی‌هایی را درباره خطرات احتمالی برای امنیت و کرامت زنان بر مبنای جنس زیستی و نیز سوءاستفاده احتمالی از فرآیندهای خوداظهاری جنسیتی مطرح نمود. همچنین در روز [جلسه] گفت‌وگوی تعاملی کمیته منع تبعیض علیه زنان در فوریه ۲۰۲۳ پیرامون مشارکت زنان، وی کمیته را تشویق کرد تا «ویژگی‌های جنس و حقوق مبتنی بر جنس» را در حوزه‌های سیاست، ورزش و سایر زمینه‌ها بررسی کند. افزون بر این، در گزارش اوت ۲۰۲۴ درباره مشارکت زنان در ورزش (بندهای ۱۱، ۱۲ و ۹۰-ب)، گزارشگر ویژه بر اهمیت تمایزات مبتنی بر جنس زیستی تأکید کرد و توصیه نمود که رده‌بندی زنان در ورزش‌های سازمان‌یافته صرفاً به افرادی اختصاص یابد که جنس زیستی آنان مونث است. در این گزارش، زنان ترنس^۹ به‌عنوان مرد تلقی شده‌اند؛ امری که در عمل به اختلاط میان هویت جنسیتی و جنس زیستی می‌انجامد.

این مواضع، الگویی نسبتاً منسجم را نشان می‌دهند؛ الگویی که بیانگر حرکت به‌سوی برداشت «مبتنی بر جنس» از خشونت و حقوق زنان است؛ برداشتی که از مبانی تفسیری تثبیت‌شده کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان فاصله می‌گیرد. توصیه کلی شماره ۳۵ [کمیته سیدا] و بند ۱۱۳ «سند اقدام پکن» خشونت علیه زنان و دختران را در بستر ساختارهای گسترده‌تر قدرت و نابرابری جنسیتی تحلیل می‌کنند نه صرفاً به‌عنوان تجلی تفاوت‌های زیستی. محدودیت بخشی دوباره به مفهوم «جنس» و به حاشیه کشاندن «جنسیت» به‌عنوان یک مقوله تحلیلی، این خطر را

^۹ Trans women

در پی دارد که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مولد تبعیض و نیز ابعاد متقاطع^{۱۰} تجربه زنان، نادیده گرفته شوند.

این تحولات هم‌زمان با درخواست‌های مکرر برای تدوین یک پروتکل اختیاری جدید ذیل کنوانسیون سیدا، درباره خشونت علیه زنان رخ داده است. در جریان نودویکمین نشست کمیته سیدا، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان با اعضای کمیته دیدار و آنان را درباره سند اعلام موضع^{۱۱} آتی خود پیرامون پروتکل پیشنهادی الحاق به کنوانسیون سیدا در زمینه خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان مطلع ساخت. این دیدار نشان می‌دهد که چارچوب «مبتنی بر جنس» که از سوی گزارشگر ویژه ترویج می‌شود، می‌تواند بر توسعه آتی چارچوب هنجاری سیدا تأثیر بگذارد. مجموع این روندها ممکن است به بازتفسیر تفاسیر تثبیت‌شده معاهدات و رویه‌های موجود، تضعیف حمایت‌های فعلی و ایجاد نظامی پراکنده از حقوق منجر شود. نوشتار حاضر پیامدهای حقوقی این پیشنهادها را بررسی کرده و استدلال می‌کند که تقویت چارچوب موجود به مراتب مناسب‌تر از تدوین اسناد جدیدی است که ممکن است تعهدات تثبیت‌شده را تضعیف کنند.

این نوشتار در چهار بخش تنظیم شده است. بخش نخست توضیح می‌دهد که چرا کنوانسیون سیدا هم‌اکنون نیز یک چارچوب حقوقی منسجم و پویا برای مقابله با تمامی اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت فراهم می‌آورد. سپس مخاطرات ناشی از تدوین پروتکل اختیاری جدید، به‌ویژه خطر ایجاد حمایت‌های گزینشی و نابرابر بررسی می‌شود. در ادامه، پیامدهای حقوقی و مفهومی رویکرد نوظهور «مبتنی بر جنس» در فرآیندهای سازمان ملل تحلیل خواهد

^{۱۰} «ابعاد متقاطع» (Intersectional dimensions) به این معناست که اشکال مختلف تبعیض و نابرابری - مانند جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی، سن، وضعیت مهاجرت یا معلولیت - به صورت هم‌زمان و درهم‌تنیده عمل کرده و تجربه‌های متفاوت و پیچیده‌ای از آسیب‌پذیری و تبعیض برای زنان ایجاد می‌کنند. (توضیح افزوده شده بر متن)

^{۱۱} سند اعلام موضع (Position Paper) به سندی اطلاق می‌شود که در آن یک دولت، سازمان بین‌المللی، نهاد مدنی یا گروه ذی‌نفع، دیدگاه‌ها، استدلال‌ها و پیشنهادها را خود را درباره یک موضوع یا فرایند مذاکره مشخص به صورت رسمی بیان می‌کند. (توضیح افزوده شده بر متن)

شد. در پایان نیز استدلال می‌شود که تقویت سازوکارهای موجود، به‌جای ایجاد اسناد جدید در فضایی سیاسی شده، مؤثرترین مسیر برای ارتقای پاسخگویی و حمایت از زنان است.

کنوانسیون سیدا به‌مثابه چارچوبی پویا و منسجم

کمیته سیدا، اخیراً در بیانیه‌ای عمومی تأکید کرده است که کنوانسیون، تمامی اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت را در ذیل همه مواد خود پوشش می‌دهد. به اعتقاد کمیته، کنوانسیون حمایت‌هایی الزام‌آور و جهان‌شمول فراهم می‌آورد که تابع ملاحظات سیاسی نیستند. توصیه کلی شماره ۳۵ نیز تصریح می‌کند که خشونت مبتنی بر جنسیت، نقض ممنوعیت تبعیض محسوب می‌شود.

کنوانسیون سیدا پس از کنوانسیون حقوق کودک (CRC)، دومین معاهده بین‌المللی حقوق بشری با بیشترین تعداد تصویب است و (تاکنون) ۱۸۹ عضو دارد. این پذیرش تقریباً جهانی، جایگاه اقتدارآمیز آن را در تعیین استانداردهای جهانی حقوق زنان و برابری جنسیتی نشان می‌دهد.

گستره وسیع عضویت در این معاهده مؤید آن است که کنوانسیون بازتاب‌دهنده اجماع قوی بین‌المللی درباره تعهد دولت‌ها در پیشگیری و مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت است؛ از این رو، هرگونه تلاش برای تدوین اسناد موازی، افزون بر غیرضروری بودن، می‌تواند بالقوه برهم‌زننده اجماع هنجاری موجود شود.^{۱۲} (منظور نویسنده این است که می‌تواند به تشدید هنجاری و تضعیف انسجام چارچوب حقوقی موجود منجر شود. مترجم)

کمیته [سیدا] همچنین نسبت به پیشنهاد تدوین پروتکل اختیاری جدید هشدار داده است. به باور کمیته، کنوانسیون سیدا به‌عنوان «سندی زنده» عمل می‌کند که باید بر اساس قواعد عمومی تفسیر معاهدات فهمیده شود. بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات مقرر می‌دارد که معاهده باید با حسن نیت، بر اساس معنای متعارف الفاظ،

^{۱۲} Potentially Disruptive

در بستر متن و با توجه به موضوع و هدف آن تفسیر شود. بندهای ۳(ب) و ۳(ج) همان ماده نیز ایجاب می کنند که رویه‌های بعدی در اجرای معاهده و سایر قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل در روابط میان دولت‌های عضو مورد توجه قرار گیرد.

این رویکرد تفسیری صرفاً محدود به نهادهای معاهداتی حقوق بشر نیست، بلکه در حقوق بین‌الملل به‌طور گسترده تثبیت شده و در رویه نهادهای مختلف بین‌المللی نیز به کار رفته است. برای مثال، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در نظریه مشورتی خود (بند ۱۳۰) کنوانسیون حقوق دریاها را «سندی زنده» توصیف کرده که قابلیت پاسخ‌گویی به دانش علمی جدید و چالش‌های نوظهور زیست‌محیطی را دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بارها از تفسیر تحول‌گرا^{۱۳} به‌عنوان بخشی از قواعد عادی تفسیر معاهدات استفاده کرده است. افزون بر این، دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر^{۱۴} (بند ۴۱) به‌طور مستمر تأکید کرده‌اند که معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر باید در پرتو شرایط معاصر به‌عنوان اسنادی زنده تفسیر شوند.

بر پایه چنین رویکرد تفسیری، کنوانسیون سیدا توانسته است بدون نیاز به انعقاد توافق‌های جدید، به چالش‌های معاصر همچون خشونت دیجیتال، نقض‌های مرتبط با مخاصمات و آسیب‌های متقاطع پاسخ دهد. نقطه قوت کنوانسیون در انسجام تفسیری و قابلیت انطباق آن نهفته است.

در مقابل، پروتکلی جداگانه می‌تواند این انسجام را تضعیف کند. چنین پروتکلی به‌جای پر کردن خلأ حقوقی، ممکن است تعهدات موازی و متفاوتی ایجاد کند که از دولتی به دولت دیگر متغیر باشد؛ وضعیتی که وضوح و جهان‌شمولی حمایت‌های کنونی تحت کنوانسیون را هم تضعیف خواهد کرد.

^{۱۳} Evolutionary interpretation

^{۱۴} دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر، نهاد قضایی نظام منطقه‌ای حقوق بشر قاره آمریکا است که در چارچوب نظام بین‌آمریکایی حقوق بشر (Organization of American States) فعالیت می‌کند و صلاحیت رسیدگی به نقض حقوق مندرج در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را دارد. (توضیح افزوده شده بر متن)

پروتکل‌های اختیاری و حمایت نابرابر از حقوق

پروتکل‌های اختیاری ممکن است معاهدات حقوق بشری را تقویت کنند، اما در عین حال خطر «جهان‌شمولی گزینشی»^{۱۵} را نیز به همراه دارند. رویه معاهداتی در نظام سازمان ملل این الگو را به خوبی نشان می‌دهد.

پروتکل‌های اختیاری از حیث هدف متفاوت‌اند. برخی تعهدات ماهوی جدیدی برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند، در حالی که برخی دیگر صرفاً سازوکارهای شکایت یا تحقیق را بدون افزودن تعهدات جدید برقرار می‌سازند. این تفاوت‌ها در میزان متفاوت تصویب پروتکل‌ها در نظام معاهداتی سازمان ملل منعکس شده است.

برای مثال، دو پروتکل اختیاری نخست کنوانسیون حقوق کودک – که به کودکان در مخاصمات مسلحانه و فروش کودکان می‌پردازند – از تصویب گسترده‌ای برخوردار شده‌اند؛ اما پروتکل اختیاری سوم که سازوکار شکایت فردی را ایجاد کرد، تعداد تصویب‌های بسیار کمتری داشته و در نتیجه، تأثیر جهانی آن محدودتر بوده است.

وضعیتی مشابه درباره پروتکل اختیاری دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که بر لغو مجازات اعدام تمرکز دارد، و نیز پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مشاهده می‌شود. هر دو سند در مقایسه با معاهدات اصلی توسط تعداد بسیار کمتری از دولتها تصویب شده‌اند. در نتیجه، سطح برخورداری افراد از حمایت حقوقی، بیش از آنکه تابع اصول جهان‌شمول باشد، وابسته به جغرافیا و اراده سیاسی دولت‌ها شده است.

پروتکل اختیاری جدید برای کنوانسیون سیدا نیز احتمالاً همین مسیر را طی خواهد کرد. دولت‌هایی که تعهد قوی‌تری به برابری جنسیتی دارند ممکن است آن را تصویب کنند، در حالی که سایر دولت‌ها از پذیرش آن خودداری نمایند. برخی دولت‌ها حتی ممکن است استدلال کنند که پروتکل جدید، تعهدات اصلی کنوانسیون

^{۱۵} Selective universality

این عنوان، برجستگی است که نویسنده به مطالبه جاری در سطح بین‌المللی و مخالف دیدگاه لیبرال وارد ساخته است در حالی که اگر اکثریت کشورهای جهان با دیدگاهی موافقت داشته باشند و عنوان جهان‌شمول را بتوان بر قاعده گذاری مزبور مطرح نمود، دیگر گزینشی تلقی کردن و برجسته منفی به آن زدن معنا ندارد. (توضیح افزوده بر متن)

درباره خشونت علیه زنان را محدود یا بازتعریف می‌کند؛ برای مثال، با استناد به قاعده "ذکر یک مورد به معنای استثنای سایر موارد است" ^{۱۶} یا با ادعای اینکه پروتکل جدید یک نظام خاص ^{۱۷} ایجاد می‌کند که بر مقررات عام کنوانسیون سیدا مقدم است. برخی دیگر نیز ممکن است به توافق یا رویه بعدی ذیل بند ۳ (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین استناد کنند تا مدعی شوند دامنه اصلی کنوانسیون سیدا اکنون محدود به آن چیزی است که در پروتکل اختیاری تصریح شده است.

چنین استدلال‌هایی از منظر دکترین حقوقی فاقد استحکام‌اند. مطابق مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین، معاهدات باید با حُسن نیت و بر اساس معنای متعارف واژگان، در بستر متن و با توجه به موضوع و هدفشان تفسیر شوند. پروتکلی اختیاری – به‌ویژه اگر تصویب جهانی نداشته باشد – نمی‌تواند به‌عنوان «توافق یا رویه بعدی» برای محدود کردن یا کنار زدن تعهدات الزام‌آور موجود در کنوانسیون مورد استناد قرار گیرد. رویه تفسیری مستمر کنوانسیون نیز به‌وضوح تأیید می‌کند که خشونت مبتنی بر جنسیت در قلمرو ممنوعیت تبعیض ذیل کنوانسیون قرار دارد.

ظهور رویکرد مبتنی بر جنس و پیامدهای حقوقی آن

تأکید فزاینده بر «خشونت مبتنی بر جنس» در برخی فرآیندهای سازمان ملل، نگرانی‌های مفهومی و حقوقی مهمی را ایجاد کرده است. تمرکز اصلی بر «جنس زیستی»، مفهوم «جنسیت» را به‌عنوان مقوله‌ای ساختاری و رابطه‌ای که توزیع قدرت در جامعه را توصیف می‌کند، کم‌رنگ می‌سازد.

^{۱۶}expressio unius

^{۱۷}lex specialis

این رویکرد از مبانی تحلیلی توصیه کلی شماره ۳۵ [کمیته سیدا]، سند اقدام پکن ۱۹۹۵ و چندین سند منطقه‌ای حقوق بشری فاصله می‌گیرد؛ از جمله: کنوانسیون بلم دو پارا^{۱۸}، پروتکل ماپوتا^{۱۹} و کنوانسیون استانبول^{۲۰}. این اسناد به‌طور مستمر خشونت علیه زنان را محصول نابرابری‌های جنسیتی می‌دانند، نه نتیجه اجتناب‌ناپذیر تفاوت‌های زیستی. چارچوب مبتنی بر جنس ممکن است شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موگد تبعیض را پنهان سازد و همچنین زنانی را که تجربه آنان تحت تأثیر هویت‌های متقاطع – مانند نژاد، طبقه، معلولیت، بومی‌بودن و گرایش جنسی – قرار دارد، به حاشیه براند.

در واکنش به این نگرانی‌ها، ائتلافی از گزارشگران ویژه سازمان ملل بیانیه مشترکی صادر کردند که در آن بر ضرورت مفهوم «جنسیت» برای تحلیل تبعیض و خشونت تأکید شده است. آنان تصریح کردند که چارچوب‌های حقوقی و سیاستی مؤثر باید هم تبعیض مبتنی بر جنس و هم تبعیض مبتنی بر جنسیت را مورد توجه قرار دهند، زیرا این اشکال نابرابری به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند و نیازمند تحلیل‌های متفاوت‌اند. این موضع با رویه تفسیری

^{۱۸}Convention of Belém do Pará

این سند در سال ۱۹۹۴ در چارچوب سازمان کشورهای آمریکایی به تصویب رسیده و نخستین سند منطقه‌ای الزام‌آور اختصاصی در زمینه پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن‌سازی خشونت علیه زنان به شمار می‌رود. این کنوانسیون خشونت علیه زنان را نقض حقوق بشر و جلوه‌ای از روابط نابرابر قدرت میان زنان و مردان دانسته و دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی برای مقابله با آن متعهد می‌سازد. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۹}Maputo Protocol

پروتکل ماپوتو، سند الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها در برابر حقوق زنان در آفریقا؛ نخستین سند الزام‌آور منطقه‌ای آفریقا در حوزه حقوق زنان است که دولت‌های عضو را به تضمین حقوق زنان و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری و مقابله با خشونت علیه آنان متعهد می‌کند. اما به دلیل پوشش گسترده موضوعات حقوق زنان و عدم تمرکز اختصاصی بر خشونت علیه زنان، زمینه را برای طرح ابتکارهای جدید از جمله تدوین معاهده تخصصی مقابله با خشونت علیه زنان و دختران در آفریقا فراهم کرده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۰}Istanbul Convention

کنوانسیون استانبول که در سال ۲۰۱۱ در چارچوب شورای اروپا (Council of Europe) به تصویب رسید، نخستین معاهده الزام‌آور اروپایی در زمینه پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی است. این کنوانسیون دولت‌های عضو را به اتخاذ تدابیر جامع در حوزه پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان، تعقیب مرتکبان و هماهنگی سیاست‌های ملی ملزم می‌کند و یکی از معروف‌ترین اسناد بین‌المللی در این حوزه به شمار می‌رود. (توضیح افزوده بر متن)

دیرپای کنوانسیون[سیدا] و ادبیات فمینیستی حقوقی که استانداردهای جهانی مقابله با خشونت علیه زنان را شکل داده‌اند، همسو است.

خطرات تدوین پروتکل اختیاری جدید در فضای سیاسی شده

درخواست‌های تازه برای تدوین پروتکل اختیاری جدید در زمانی مطرح می‌شود که تنش‌های سیاسی پیرامون برابری جنسیتی افزایش یافته است. تدوین و مذاکره درباره معاهدات بین‌المللی صرفاً یک فرایند فنی و بی‌طرفانه نیست بلکه فرصتی برای دولت‌ها فراهم می‌آورد تا مفاهیم کلیدی را بازتعریف کنند، تعهدات تثبیت‌شده را تضعیف نمایند و مفاهیم محدودکننده جدیدی وارد نظام حقوقی کنند.

در فضای کنونی که شاهد موج‌های ضدجنسیتی^{۲۱} هستیم، فرآیند تدوین ممکن است به استانداردهایی ضعیف‌تر منتهی شود که دهه‌ها پیشرفت حقوقی را تضعیف کند.

پروتکل جدید همچنین می‌تواند موجب سردرگمی در نظام‌های حقوق داخلی شود. دولت‌هایی که هر دو سند را تصویب می‌کنند ممکن است با تعهدات هم‌پوشان یا متعارض مواجه شوند، در حالی که دولت‌هایی که تنها یکی از اسناد را می‌پذیرند، حمایت‌های نابرابری را برای زنان و دختران به وجود خواهند آورد. نتیجه نهایی، چارچوب حقوقی تجزیه شده‌ای خواهد بود که وضوح هنجاری کنونی کنوانسیون را کاهش می‌دهد.

در مقابل، پروتکل اختیاری مصوب ۱۹۹۹ الحاقی به کنوانسیون سیدا هم‌اکنون سازوکارهایی برای شکایت فردی و تحقیقات مربوط به نقض‌های شدید یا نظام‌مند فراهم کرده است. تقویت اجرای این پروتکل، افزایش آگاهی جامعه مدنی نسبت به آن و تشویق دولت‌ها به تصویب بیشتر آن، راهبردی مؤثرتر برای تضمین پاسخگویی خواهد بود.

^{۲۱} Anti-gender backlash

تقویت آنچه هم‌اکنون وجود دارد

رویکرد سازنده‌تر آن است که به جای ایجاد چارچوب‌های جدید، بر تقویت سازوکارهای موجود تمرکز شود. چند اقدام می‌تواند در این راستا مؤثر باشد:

۱. دولت‌ها برداشت مبتنی بر جنسیت از خشونت – آن‌گونه که در توصیه کلی شماره ۳۵ [کمیته سیدا] آمده

– را مجدداً تأیید کنند و میان مفاهیم «جنس» و «جنسیت» تمایز مفهومی روشنی حفظ نمایند. این امر برای مقابله با تبعیض ساختاری ضروری است.

۲. دولت‌ها حمایت خود از سازوکارهای پیگیری و تحقیق کمیته سیدا را افزایش دهند. تخصیص منابع بیشتر و تصویب گسترده‌تر پروتکل اختیاری موجود می‌تواند دسترسی به جبران خسارت را تقویت کند.

۳. از سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشر بهره بیشتری گرفته شود. اسنادی همچون کنوانسیون بلم دو پارا، پروتکل ماپوتو و کنوانسیون استانبول، استانداردهای مکمل و الزام‌آوری برای پیشگیری و مقابله با خشونت فراهم می‌کنند.

۴. کنشگران و سیاست‌گذاران همچنان از مفاهیم «جنسیت» و «تقاطع‌مندی»^{۲۲} به عنوان ابزارهای تحلیلی اساسی دفاع کنند. حذف یا تضعیف این مفاهیم، توان حقوق بین‌الملل را برای درک و مقابله با تمامی اشکال نابرابری تجربه‌شده توسط زنان و دختران کاهش خواهد داد.

^{۲۲} تقاطع‌مندی (Intersectionality) در حوزه خشونت علیه زنان، به این معناست که تجربه خشونت و تبعیض صرفاً ناشی از جنسیت نیست، بلکه ممکن است تحت تأثیر عوامل متقاطع دیگری همچون نژاد، قومیت، وضعیت مهاجرت، فقر، سن، معلولیت یا گرایش‌های هویتی نیز تشدید شود. (توضیح افزوده بر متن)

نتیجه گیری

حقوق بین الملل بشر بیش از هر چیز از طریق تفسیر پویا و تحول گرا توسعه می یابد، نه صرفاً از رهگذر ایجاد معاهدات جدید. کنوانسیون سیدا نمونه روشنی از این ظرفیت است. کمیته سیدا از طریق توصیه های کلی و رویه قضایی خود، فهمی جامع و الزام آور از خشونت مبتنی بر جنسیت ارائه داده که با واقعیت های معاصر همخوانی دارد. پیشنهادهای مربوط به تدوین پروتکل اختیاری جدید، در مقطعی از منازعات ایدئولوژیک مطرح می شوند که ممکن است به جای تقویت حمایت ها، موجب تضعیف آن ها شوند. چنین سندی می تواند راه را برای تعریف های واپس گرایانه^{۲۳}، تضعیف جهان شمولی و ایجاد استانداردهای نابرابر حقوقی باز کند. از این رو، مسیر مطلوب آینده در تقویت چارچوب حقوقی موجود و حفظ انسجام هنجارهای تثبیت شده نهفته است.



^{۲۳} Regressive Definitions تعریف های پس رونده به مفهوم سازی هایی اطلاق می شود که نسبت به استانداردهای موجود حقوق بشری، حمایت محدودتری از زنان فراهم کرده و موجب عقب گرد در دستاوردهای هنجاری پیشین می شوند. (توضیح افزوده بر متن)